

ترجمان اقتصاد مقاومتی در صنعت دفاعی مبتنی بر

مدل لافلی (بازی بُرد)

آرمان آذرلی^۱

داریوش جعفر زاده^۲

ناصر پورصادق^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵

چکیده

از سال ۱۳۹۲ و با ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، تلاش‌های متعددی در خصوص تدوین ارکان این الگوی اقتصادی صورت گرفته که در پژوهش‌های مختلف در قالب سیاست‌ها، رویکردها، اهداف، الزامات و شاخص‌ها ارائه شده‌اند؛ اما ترجمان این ارکان در بخش‌های مختلف از جمله «صنعت دفاعی»، مستلزم رویکردی تفسیری و تعمیمی مبتنی بر مدلی یکپارچه ساز و عمل-گرا است. این پژوهش تلاش می‌نماید ضمن مرور و گردآوری ارکان پیش‌گفته، الگوی اقتصاد مقاومتی را با استفاده از مدل لافلی که مدلی توانمند در تدوین زنجیره یکپارچه انتخاب‌ها و نیل به پیروزی در شرایط رقابت است، باز تبیین نماید. در این فرایند نتایج مطالعات کتابخانه‌ای (ارکان اقتصاد مقاومتی) با استفاده از فن دلفی و با مشارکت خبرگان حوزه مدیریت، دفاع و اقتصاد و در قالب مدل لافلی ساختاردهی شده و از طریق تشکیل میز اندیشه، صحنه‌گذاری گردیده است. در پایان پژوهشگران سه موضوع پایایی سنجی، بازنگری ترکیب زنجیره انتخاب‌ها در صنعت دفاعی و تدوین راهبردهای بخشی متناظر با الگوی حاصله را برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌نمایند.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، ارکان اقتصاد مقاومتی، صنعت دفاعی، مدل لافلی.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (Arman.Azarli@Chmail.ir)

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (mba.manage1@gmail.com)

^۳ عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی (edefa@mtrd.ir)

۱. مقدمه

امروزه کمتر کسی در این که اقتصاد از مؤلفه‌های مهم امنیت ملی و دفاع کشورها و نظام‌های سیاسی است، تردید دارد. همچنین این که راهبردهای اقتصادی در تحکیم قدرت ملی کشورها تأثیر بسیاری دارد نیز مورد وفاق است. در چشم‌انداز ملی کشور ما نیز، اولین ویژگی هدف‌گذاری شده در افق ۱۴۰۴ عبارت است از کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه. در متن سند نیز علاوه بر اشاره به دستیابی به جایگاه اول اقتصادی در منطقه، بارها در خصوص اقتصاد مبتنی بر دانش و فناوری بومی تأکید شده است.

اقتصاد مقاومتی به‌عنوان رکن اصلی جهت‌گیری اقتصادی در راستای استحکام درونی کشور الگویی راهبردی است که از سوی مقام معظم رهبری مدظله‌العالی مطرح شده است. اقتصاد مقاومتی به معنای پدید آمدن وضعیتی در اقتصاد است که در برابر موانع و مشکلات داخلی و خارجی پایداری می‌کند و به رشد و پیشرفت خود در جهت اهداف عالی‌اش ادامه می‌دهد؛ اما علیرغم ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و گفتمان شکل‌گرفته در این عرصه در سال‌های اخیر، نه‌تنها سازوکارهای عملی برای اجرا و عملیاتی نمودن سیاست‌ها وجود نداشته بلکه اساساً بازنویسی از رویکردهای اقتصاد مقاومتی به شیوه‌ی عملیاتی و به شکل یکپارچه و متناسب با اقتضائات هر شاخه‌ی اقتصادی صورت نگرفته است. به‌تبع این نقص، نهادسازی دقیقی نیز صورت نگرفته و در نتیجه چرخه پیاده‌سازی، نظارت، بازخورد و بازنگری سیاست‌ها و برنامه‌های ابلاغی معیوب بوده و مورد غفلت واقع شده است. یک پیامد این امر، انجام فعالیت‌های پراکنده، غیر هم‌افزا، جزیره‌ای و سلیقه‌ای در بخش‌های مختلف است.

این نقیصه در حوزه‌ی صنعت دفاعی نیز مشهود است و این در حالی است که تجربیات بخش صنعت دفاعی، نشان‌دهنده تحقق نتایج مطلوب و عملکرد موفق در شرایط تحریم‌های شدید اقتصادی و علمی است، به‌گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی با اشاره به همین توفیقات و پیشرفت‌ها در حوزه صنعت دفاعی و به‌ویژه صنعت موشکی، الگوگیری از عملکرد این حوزه را برای سایر حوزه‌های صنعتی توصیه فرموده و همچنین «اقتصاد مقاومتی» را تنها راه چاره‌ی بن‌بست‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها دانسته‌اند.

صنعت دفاعی از اقتصاد تأثیر می‌گیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد. اقتصاد از زاویه توان اقتصادی و نیز از مسیر در اختیار گذاردن تحلیل‌ها و ابزار اقتصادی در رشد صنعت دفاعی مؤثر است. صنعت دفاعی نیز از مسیر تقویت تولید ملی، اشتغال‌زایی، باز توزیع درآمد ملی، تقویت تولید دانش‌بنیان و ایجاد ثبات و امنیت ملی، به رشد و شکوفایی اقتصاد کمک می‌نماید.

در این شرایط، مسئله حائز اهمیت این است که باوجود پیشرفت‌های صورت گرفته در صنعت دفاعی و دستیابی به نتایج نسبتاً مطلوب، پیچیدگی و تغییر تند آهنگ عوامل محیطی، اقتصادی‌تر شدن رویکردهای دفاعی و نیز لزوم هماهنگی با رویکردهای کلان مدیریتی کشور، این بخش را بیش‌ازپیش نیازمند تقویت سازوکارهای یادگیری، مدیریت پیچیدگی، انعطاف راهبردی، هوشمندی رقابتی و به‌کارگیری مدل‌های نوین در تحلیل، ارزیابی و تصمیم‌گیری نموده است تا به‌عنوان یک سیستم باز و

دارای تعامل با سایر دستگاه‌ها و زیرسیستم‌ها بتواند در مسیر توسعه و تعالی، به انتخاب‌ها و بدیل‌های استراتژیک در محیطی پویا بپردازد. ضمن این‌که در این فرایند، انسجام خود را با تفکر اقتصاد مقاومتی و الزامات آن حفظ نماید. بدیهی است عدم توجه به اصول هم‌راستایی و یکپارچگی در صنعت دفاعی، تدریجاً از شتاب رشد صنعت دفاعی خواهد کاست و بین جهت‌گیری‌های این صنعت و مسیر کلان حرکت کشور زاویه ایجاد خواهد نمود که به معنی عدم هم‌افزایی سیاست‌های بخشی و کلان نظام در راستای اقتصاد مقاومتی است.

بنابراین پژوهشگران در این تحقیق به دنبال آن هستند تا ارکان اقتصاد مقاومتی را به کمک مدل لافلی که یک مدل عملیاتی زنجیره‌ی انتخاب‌های یکپارچه‌ی راهبردی می‌باشد، در صنعت دفاعی و متناسب با اقتضات و تجربیات آن بازنویسی نمایند. بدین منظور و متناظر با گام‌های مدل پیش‌گفته، مقتضی است به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

۱. مدل یکپارچه انتخاب‌های استراتژیک در صنعت دفاعی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی کدام است؟
۲. آرمان‌ها و اهداف اقتصاد مقاومتی و ترجمان آن در صنعت دفاعی کدامند؟ (فرعی)
۳. حوزه فعالیت اقتصاد مقاومتی و ترجمان آن در صنعت دفاعی چیست؟ (فرعی)
۴. روش دستیابی به موفقیت در اقتصاد مقاومتی و تصویر آن در صنعت دفاعی چیست؟ (فرعی)
۵. قابلیت‌های مورد انتظار اقتصاد مقاومتی و ترجمان آن در صنعت دفاعی کدامند؟ (فرعی)
۶. دستگاه‌ها و روش‌های مورد انتظار اقتصاد مقاومتی و ترجمان آن در صنعت دفاعی کدامند؟ (فرعی)

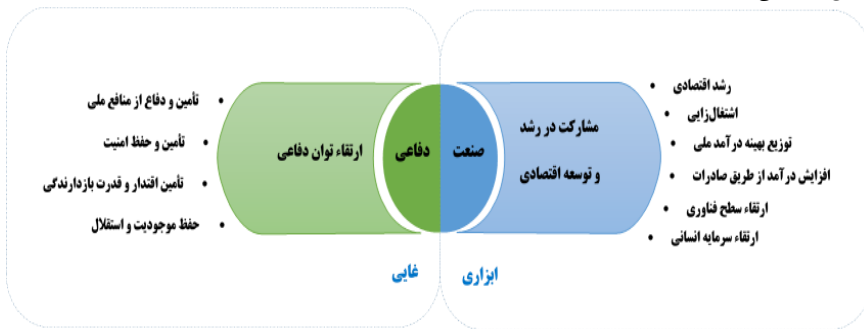
۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. ابعاد فعالیت‌ها و کارکردهای صنعت دفاعی

در طی تاریخ و با پیشرفت بشر در به‌کارگیری شیوه‌ها و ابزار مختلف در توسعه وجوه گوناگون زندگی خود که عمدتاً متأثر از ارتقاء دانش و توسعه فناوری‌ها بود، علوم نظامی نیز از این پیشرفت مستثنا نبودند. علوم نظامی نه تنها در حوزه‌ی تاکتیک نمود داشتند بلکه بسیار گسترده‌تر، متنوع‌تر و پیچیده‌تر در حوزه‌ی فن خودنمایی کردند. این توسعه به موازات انقلاب صنعتی شتاب بیشتری به خود گرفت و ویژگی‌های آن نیز در طی جنگ‌های بزرگ به‌خصوص جنگ‌های اول و دوم جهانی و سپس دوران جنگ سرد، مستمراً دچار تحول و تکامل گردید.

بشر درگذر از جنگ‌های مختلف به تأثیرگذاری ادوات و سازوبرگ نظامی در سرنوشت نزار، پی برد و آموخت که از مرحله استفاده از کارخانه‌ها غیرنظامی تولید اتوبوس و خودرو در زمان جنگ برای تولید ادوات نظامی، می‌بایست به مرحله در اختیار گیری «پایه صنعتی دفاع» ارتقاء یابد تا از طریق صنعتی پویا با رویکرد تأمین سازوبرگ جنگی، همواره آمادگی پاسخ‌گویی به تهدیدات را داشته باشد. این مهم به‌خصوص بعد از جنگ جهانی دوم، به پیش‌فرضی بدیهی تبدیل‌شده بود (هوک، ۲۰۰۵). نمود عینی تحقق این مأموریت، ارتقاء مقوله‌ی «توان دفاعی» است. توان دفاعی همان توان نظامی بومی است که بر اساس ظرفیت‌های داخلی بومی به کار گرفته می‌شود (کریمی، ۱۳۹۱). در تعریفی دیگر توان یا قدرت

نظامی شامل عناصر متعددی در نظر گرفته می‌شود که تسلیحات، تجهیزات و پشتیبانی تأمین آن‌ها - یعنی محصولات صنعت دفاعی - بخش مهمی از این عناصر قلمداد می‌گردد (آذرلی، ۱۹۹۶). پس می‌توان گفت هدف اصلی (غایی) صنعت دفاعی، افزایش توان دفاعی از طریق خودکفایی و عدم پذیرش وابستگی امنیت نظام به کشورهای بیگانه است و پیامد آن نیز، تحقق مأموریت پیش گفته است. امروزه صنعت دفاعی اهداف دیگری را نیز دنبال می‌نماید که آن‌ها را فرعی یا ابزاری می‌دانیم. شاید مهم‌ترین هدف ثانویه صنعت دفاعی، بُعد اقتصادی فعالیت‌های آن است. در حال حاضر، تولید تسلیحات در کشورهای صاحب فناوری تسلیحاتی، سهم بزرگی را در تولید ناخالص ملی آن‌ها به خود اختصاص داده است. همچنین تجارت تسلیحات نیز به تجارتی پُر سود و پُر رونق تبدیل شده است. به‌عنوان نمونه ایالات متحده آمریکا، تنها در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۶۳,۷۴۷ میلیون دلار قرارداد فروش تسلیحات داشته و این در حالی است که GDP کشور در همان سال ۱۶۱۶۳ میلیارد دلار بوده است یعنی حدود ۳/۹٪ (تِریدینگ اِکونومیِز، 2016 به نقل از بانک جهانی). کارکرد سرمایه‌گذاری و توسعه صنایع دفاعی در بخش اقتصادی، پیامدهای عدیده‌ی دیگری را به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به اشتغال‌زایی، توزیع بهینه درآمدهای عمومی، افزایش درآمد ملی از طریق صادرات، بلوغ صنعتی و فناوری، سرریز فناوری در سایر حوزه‌های صنعتی و ارتقاء سرمایه انسانی؛ اشاره نمود. عنوان می‌گردد انباشت دانش و مهارت نیروی کار، عامل رشد اقتصادی است. مجموعه اهداف و کارکردهای صنعت دفاعی را می‌توان در شکل ۱ نشان داد.



شکل شماره (۱) کارکردها و اهداف صنایع دفاعی (پژوهشگران)

منبع: یافته‌های محقق

توسعه صنعت دفاعی در تقابل کامل با «وابستگی» است. وابستگی در برابر استقلال موضوعیت می‌یابد. تأمین قدرت از مسیر وابستگی به معنای توانایی اعمال خواسته بر دیگر کنشگران، صرفاً در راستای منافع کشور محور (دارای قدرت) خواهد بود و نه در راستای منافع خود. به‌بیان‌دیگر در عمل آنچه حاصل می‌شود، قدرت «ملی» نیست بلکه نگاهی از قدرت کشور محور، در جغرافیای سیاسی کشور وابسته است. مصداق این ویژگی، کشوری مانند عربستان سعودی است که تا زمانی که در مسیر تأمین منافع آمریکا در منطقه (که همانا مقابله با جبهه‌ی مقاومت به‌منظور تأمین امنیت رژیم صهیونیستی است)

حرکت می‌کند، از حمایت کشور محور برخوردار خواهد بود اما به محض انحراف، نه تنها از حمایت محروم خواهد شد بلکه با اعمال تحریم‌ها توان نظامی جمع‌آوری کرده‌ی خود را نیز تدریجاً از دست خواهد داد چراکه از پشتوانه بومی صنعت دفاعی بی‌بهره است و توانایی حفظ آمادگی رزمی ادوات پیچیده و گران‌قیمت خریداری‌شده را نخواهد داشت.

بنابراین صنعت دفاعی بومی، متضمن پشتیبانی دائمی و مستمر توان نظامی کشور و نیز، متضمن به‌کارگیری این مؤلفه از قدرت در راستای تأمین منافع ملی و نه منافع بیگانه، خواهد بود. بدین ترتیب رابطه‌ی سیاست و صنعت دفاعی، یک رابطه دوسویه است.

بی‌شک بارزترین ویژگی صنعت دفاعی، ارتباط دوسویه آن با اقتصاد است. مطمئناً از ابتدای شکل‌گیری صنعت دفاعی، فرایندهای مربوطه، به شکل مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد شغل و باز توزیع درآمدهای عمومی کشور (خصوصاً در رابطه با کشورهایی که صنعت دفاعی آن‌ها از درآمدهای عمومی ارتزاق می‌نماید) نقش داشته است. این واقعیت بالأخص از نیمه دوم قرن نوزدهم و با توسعه کشورهایی که قائل به سیاست نظامی‌گری (با اهدافی سلطه‌جویانه و یا بازدارنده) بوده‌اند، بیشتر نمود یافته که نمونه معروف آن، ایالات متحده امریکا است.

این فرایند در رژیم صهیونیستی نیز بسیار بارز است. این رژیم در سال ۲۰۰۷ پس از امریکا، روسیه و فرانسه، با فروش چهار میلیارد دلار اسلحه چهارمین صادرکننده سلاح دنیا بود. رشد و توسعه‌ی صنایع نظامی و نقش صادرات تسلیحات از دهه‌ی هشتاد میلادی به بعد نشان‌دهنده‌ی اهمیت اقتصادی صادرات تسلیحات در درآمد این رژیم است. در اهمیت نقش صنعت دفاعی در اقتصاد رژیم صهیونیستی تنها می‌توان به اظهارات رییس وقت بانک مرکزی این رژیم اشاره نمود که اذعان داشته صادرات ادوات نظامی، اقتصاد رژیم صهیونیستی را در دهه‌های هشتاد و نود از فروپاشی و ورشکستگی نجات داده است. شایان‌ذکر است نیمی از نیروی کار شاغل در صنعت این رژیم در صنایع نظامی مشغول به فعالیت هستند و تولیدات صنایع مذکور بین ۱۵ تا ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی این رژیم را به خود اختصاص می‌دهد (ازغندی و ذاکری، ۱۳۸۹).

یک کارکرد دیگر صنعت دفاعی در اقتصاد، نوع غیرمستقیم آن، یعنی تأثیر از طریق افزایش توان نظامی و امنیت ملی و در نتیجه ثبات بخشی به شرایط ایجاد و حفظ رشد اقتصادی است. عنوان می‌گردد تولید نیازهای دفاعی از طریق ایجاد و توسعه صنایع دفاعی در داخل کشور ضمن تأثیر بر ایجاد ارزش افزوده، از منظر ثبات امنیت ملی درخور تعمق و توجه است (عباس لو، ۱۳۷۸). ایجاد نظم، حمایت از حاکمیت، حفظ مالکیت، مقابله با تهدید خارجی، امنیت تولید و توزیع کالا و خدمات، محصول ایجاد و ثبات امنیت عمومی است که این خود تابعی از توان دفاعی-امنیتی و به تبع آن، صنعت دفاعی است. بر این اساس عنوان می‌گردد، تولید و رشد اقتصادی بدون نظم داخلی و اقتدار نظامی در بسیاری از مقاطع تاریخ افسانه‌ای بیش نبوده است (شکوه، ۱۳۹۱).

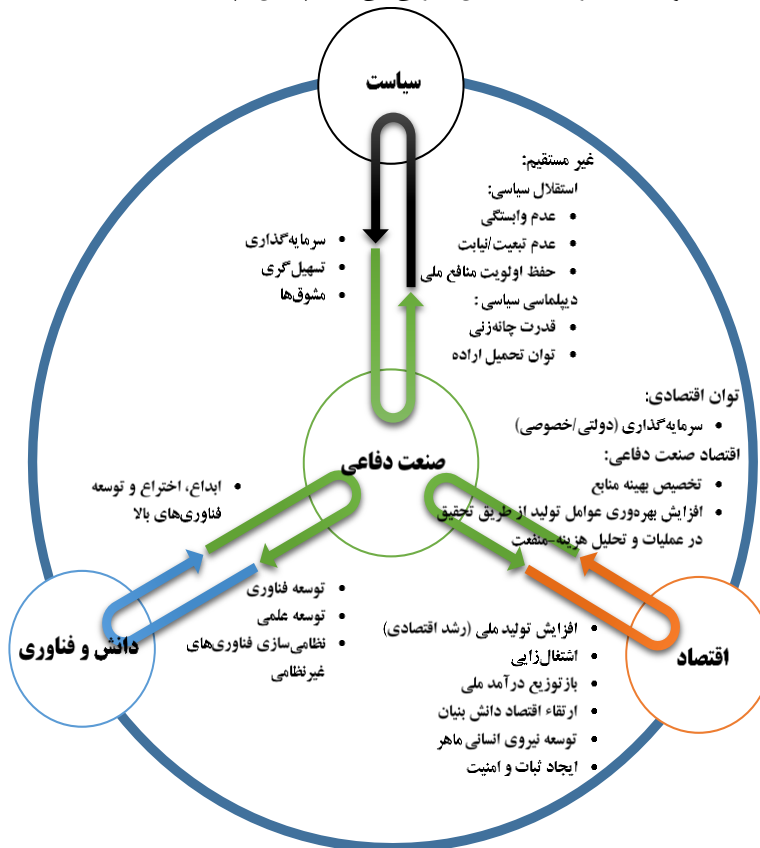
از سوی دیگر نگرش حاکم بر سیاست‌های یک کشور، بر میزان رشد و توسعه صنعت دفاعی آن تأثیرگذار است. کشوری که دارای رویکرد استقلال‌طلبی در سیاست‌های خود است، توسعه صنعت دفاعی بومی را

متضمن استقلال و اقتدار خود می‌داند.

۲-۲. پیشینه مدل‌سازی فعالیت‌های صنعت دفاعی

در این بخش برخی مطالعات صورت گرفته در رابطه با مدل‌سازی فعالیت‌های صنعت دفاعی مبتنی بر ویژگی‌های آن را مرور می‌نماییم:

مدل آذرلی و همکاران (۱۳۹۶). این مدل مجموعه کارکردهای صنعت دفاعی را در ارتباطاتی دوسویه با ابعاد «سیاست»، «اقتصاد» و «علم و فناوری» تبیین می‌نماید و مؤلفه‌های این ارتباطات را به شکل مجموعه‌ای از شیوه‌های تأثیرگذاری متقابل معرفی می‌نماید (شکل ۲).



شکل شماره (۲) حوزه‌های ارتباطات و کارکردهای صنعت دفاعی

منبع: آذرلی و همکاران، ۱۳۹۶

ویژگی‌های صنعت دفاعی در ایران (شفقت، ۱۳۹۵). صنعت دفاعی در ایران، ضمن احراز اشتراکاتی با مفاهیم عمومی این حوزه، تابع شرایطی مختص خود است. این شرایط عبارت‌اند از:

۱. دولتی یا وابسته به حکومت هستند. قانون‌گذار فعالیت این صنایع را به‌عنوان کالای عمومی که تأمین آن بر عهده دولت است، معرفی نموده است.
 ۲. انحصاری هستند. از منظر قانون‌گذار، فعالیت صنایع دفاعی جزئی از وظایف دولتی محسوب شده و در حیطه وظایف و اختیارات آن تعریف شد است.
 ۳. تشدید دولتی بودن، انحصاری و غیررقابتی‌اند بودن در شرایط خاص ج.ا. ایران.
 ۴. مواجهه با تهدیدات شدید و متنوع امنیتی و دفاعی
 ۵. تحریم‌های گسترده در زمینه‌های مختلف به‌خصوص در عرصه دفاعی (تسلیحات و فناوری نظامی) شکل وسیع و شدیدتری یافته است و تعاملات دوجانبه واردات و صادرات در این زمینه جدی و قابل‌اعتنا نیست.
- ویژگی‌های صنعت دفاعی به‌عنوان الگوی یادگیری (فرتوک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). ایشان از زاویه اثبات امکان یادگیری از صنعت دفاعی، ویژگی‌های این صنعت را این‌گونه برشمرده‌اند:
۱. سابقه طولانی و تجربیات متراکم در توسعه صنعت و فناوری
 ۲. توجه ویژه به نوآوری در شرایط غیرخطی
 ۳. اهتمام به تحول و تعالی
 ۴. معماری بر اساس نظام دستیابی
- و این‌گونه ادامه داده‌اند که این صنعت در موج چهارم خود و در راستای اهتمام به تعالی، الگوی «هسته-های کوچک دانا و شبکه‌های بزرگ توانا» را سرلوحه‌ی خود قرار داده و بر این اساس مبادرت به معماری مجدد ساختارها و فرایندهای خود نموده است.
- مدل چشم‌انداز و تأثیرگذاری صنعت دفاعی بر اقتصاد مقاومتی (فرتوک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳). محققین چشم‌انداز صنعت دفاعی را عبارت از این‌که «کشور صاحب منابع و قابلیت‌هایی پایدار شود تا در زمان مناسب بر اساس شرایط و موقعیت دگرگون شونده، امکان خلق قدرت دفاعی برتر را داشته باشد»، معرفی می‌نمایند. همچنین، مهم‌ترین تأثیر صنعت دفاعی در جریان مقاومتی شدن اقتصاد را نقش‌آفرینی آن در توسعه محصولات و فناوری‌های راهبردی در کشور می‌دانند. ایشان اضافه می‌نمایند صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی یکی از نهادهای اصلی حکمرانی برای توسعه فناوری‌های راهبردی کشور محسوب می‌گردد؛ که با کارکردهای قابلیت‌سازی و مدیریت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان می‌تواند کشور را از تله‌ی ناکامی در توسعه فناوری‌های پیشرفته و راهبردی خارج سازد و منابع راهبردی را در مسیر خلق قدرت ملی بسیج کند. سازوکار تأثیر کارکردهای صنعت دفاعی در اقتصاد را مطابق جدول ۱، مدل نموده‌اند.

۲-۳. ارکان اقتصاد مقاومتی

مفهوم اقتصاد مقاومتی که مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در فرمایشات خود مطرح و ابعاد و الزامات آن را در سخنرانی‌های سال‌های اخیر تبیین کرده‌اند، اگرچه در ادبیات اقتصاد جهانی وجوه تشابهی با تاب-

آوری اقتصادی دارد، اما به لحاظ ویژگی‌های خاص نظام جمهوری اسلامی ایران، مفهومی نو در ادبیات اقتصادی محسوب می‌شود و به همین دلیل، جز در معدود مقالات بیگانه که در آن‌ها به موضوع «اقتصاد خود ترمیم» پرداخته شده، سابقه چندانی در جهان اقتصاد ندارد؛ اما تعدادی مقاله، رساله دکتری و مطالعات گروهی به شرح زیر به تبیین ارکان اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند.

۱. اهداف اقتصاد مقاومتی. در یک دسته‌بندی، اهداف اقتصاد مقاومتی در سه گروه به شکل زیر دسته‌بندی شده‌اند (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۵):

الف- نهایی: تحقق حیات طیبه اسلامی و پاسخ به نیازهای چندبعدی انسان در رسیدن به تعالی و رستگاری در قالب الگوی بومی و ملی.

ب- میانی: استقلال و خوداتکایی اقتصادی، اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا و همه‌جانبه و غیر وابسته.

پ- اولیه: مشارکت نهادمند مردم در فعالیتهای اقتصادی، رفاه و تأمین معیشت، پیشگیری از نفوذ دشمن در زیرساخت‌ها و فرایندها.

جدول شماره (۱) مدل‌ساز و کار تأثیرگذاری صنعت دفاعی بر اقتصاد مقاومتی

| صنعت دفاعی | |
|--|--|
| ایجاد تقاضای دانش‌بنیان برای کسب و کارهای دانش‌بنیان (رویکرد مردم‌محور کردن اقتصاد دفاع) | ارتقای سطح امنیت ملی |
| توسعه پسترهای نهادی لازم برای هم‌تکاملی صنعت دفاعی و ظرفیت‌های صنعتی - تحقیقاتی در سطح ملی | تجاری‌سازی فناوری‌های نظامی برای مواجهه یا تحریم بخش‌های کلیدی اقتصاد |
| تحریک نظامی فناوریانه در شبکه همکاران و رونق کسب و کارهای دانش‌بنیان | کاهش ریسک سرمایه‌گذاری مولد (ناشی از تهدیدات بالقوه نظامی) |
| توسعه فناوری‌ها و محصولات راهبردی در بخش غیردفاعی | ایجاد ساختارها و نهادهای پشتیبان توسعه فناوری‌ها و محصولات راهبردی در کشور |
| افزایش امنیت اقلام راهبردی و اساسی (از طریق توسعه فناوری‌ها و محصولات راهبردی)؛ توسعه کسب و کارهای دانش‌بنیان؛ کاهش وابستگی به واردات دانش‌بنیان و افزایش صادرات دانش‌بنیان؛ -کاهش وابستگی اقتصاد به نفت | افزایش مقاومت در برابر تحریم‌ها در حوزه محصولات و فناوری‌های راهبردی؛ افزایش سرمایه‌گذاری مولد |
| کاهش وابستگی بودجه دولت به نفت و در نتیجه، کاهش بی‌ثباتی‌های اقتصادی ناشی از نوسانات درآمدهای نفتی؛ کاهش کسری‌های مزمن در بودجه دولت؛ - کاهش نرخ تورم؛ که منجر به: افزایش رشد فعالیتهای غیرمولد و سخته‌بازی در اقتصاد جلوگیری از بدتر شدن وضع توزیع درآمد. | افزایش میزبان رشد اقتصادی و کاهش میزان بیکاری. |
| افزایش توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا (تکانه‌های اقتصادی دنیای و نگرانیهای تخصصی مثل تحریم‌ها)؛ افزایش بهره‌وری ناشی از استفاده حداکثری از ظرفیتهای مردمی، ارائه الگوی برای افزایش ظرفیت کارفرمایان و حکمرانی بخش‌های دولتی و کاهش تصدی‌گری بخش دولت؛ | |
| انگای بیشتر به ظرفیتهای داخلی (ظرفیتهای علمی، انسانی، طبیعی، مالی، جغرافیایی و اقلیمی)، ضمن افزایش استفاده حداکثری از امکانات بیرون از کشور. | |

در گزارش‌هایی از جمله گزارش کمیسیون نظارت بر اصل چهل‌وچهار، به مؤلفه‌هایی از جنس اهداف به‌صورت زیر اشاره شده است (گزارش کمیسیون نظارت بر اصل چهل‌وچهار، ۱۳۹۳):

الف- کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد. ب- ارتقاء عدالت اجتماعی. پ- تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد و رشد بهره‌وری. ت- امنیت غذا و درمان. ث- مقابله با ضربه‌پذیری درآمد نفت.

همچنین به مردمی نمودن اقتصاد و کاهش وابستگی به ذخایر نفتی به‌عنوان اهداف اقتصاد مقاومتی موردتوجه قرار گرفته است (عبدالمالکی و همکاران، ۱۳۹۵).

۲. سیاست‌ها و رویکردها. علاوه بر سیاست‌های ۲۴ گانه ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، تلاش‌هایی برای باز تبیین مفاهیم مندرج در این سیاست‌ها صورت گرفته است. شاید کامل‌ترین آن را بتوان در قالب جدول زیر ارائه نمود (معینی، ۱۳۹۴).

جدول شماره (۲) باز تبیین سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی (برگرفته از بیانات معظم رهبری مدظله‌العالی)

| | | | |
|---|---|----|---------------------|
| ۱ | ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان است؛ | ۶ | خودکفا باشیم |
| ۲ | توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدید زا | ۷ | کاهش وابستگی به نفت |
| ۳ | تکیه بر ظرفیت‌های داخلی | ۸ | اصلاح الگوی مصرف |
| ۴ | رویکرد جهادی | ۹ | فسادستیزی |
| ۵ | مردم محوری | ۱۰ | دانش محوری |

منبع: برگرفته از بیانات معظم رهبری مدظله‌العالی

۳. راهبردها. راهبرد به معنی ارائه‌ی طریق برای تحقق یک هدف هنگامی که در سطح ملی طرح می‌شود، ادبیاتی بسیار کلان به خود می‌گیرد و اگر در کنار سایر ارکان دیده نشود می‌تواند به مضمون سیاست یا هدف بسیار نزدیک شده و با آن‌ها اشتباه گرفته شود. در ادبیات اقتصاد مقاومتی راهبردهای معرفی شده در تناظر با اهداف و سیاست‌ها عبارت‌اند از: ۱. ارتقای تولید ملی، ۲. مدیریت مصرف، ۳. جهاد اقتصادی، ۴. توزیع عادلانه، هوشمند و هدفمند منابع، ۵. قطع وابستگی به نفت، ۶. رشد صادرات و مدیریت واردات، ۷. استراتژی جنگ نامتقارن اقتصادی، ۸. اقتصاد کارآفرینی، ۹. اقتصاد دانش‌بنیان، ۱۰. حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مردمی‌سازی اقتصاد (کمالی و همکاران به نقل از تراب‌زاده جهرمی، ۱۳۹۵).
۵. زیرسیستم‌ها. اقتصاد ملی را می‌توان از منظر نهادها، منابع و تسهیل‌کننده‌ها موردبررسی قرارداد. در هر کشوری، نهادهای رسمی و غیررسمی بر زندگی مردم حاکم بوده و روابط انسانی را شکل می‌دهند. نهادها می‌توانند رسمی و از بدنه دولت باشند که قوانین و مقررات مدیریت جامعه را تشکیل می‌دهند؛ یا غیررسمی باشند و قواعد و ساختارهای جامعه غیردولتی را تنظیم کنند. نهادهای غیررسمی در کشورهای آسیب‌پذیر بااهمیت هستند؛ چون در این کشورها این نهادها جایگزین نهادهای رسمی شده و یا به‌طور همزمان با نهادهای رسمی فعالیت می‌کنند. در خصوص نهادها دو

مبحث اثربخش و مشروعیت نهادها اهمیت دارد. باوجود نهادهای ناکار، کل سیستم تضعیف شده و در مقابل شوکها مقاومت کمتری خواهد داشت. مشروعیت نهادی نیز پذیرش مردم در برابر قواعد و مقررات نهادها را نشان می‌دهد. جامعه در مقابل نهادهای نامشروع مقاومت می‌کند که به تضعیف و شکست نهادها به‌ویژه در زمان شوکها منجر خواهد شد.

منابع را می‌توان به‌صورت اشیاء، شرایط، ویژگی‌ها و انرژی‌هایی مطرح کرد که از نظر مردم دارای ارزش هستند و طیف گسترده‌ای را در برمی‌گیرد. این طیف بیمارستان‌ها و خدمات درمانی، آب و غذا، انسجام اجتماعی، ثروت اقتصادی، رهبری، سطح آموزش، ارزش‌های اخلاقی و جزء این‌ها را شامل می‌شود. چهار جزء در دسترس بودن، کارایی، تنوع و مزاد (اضافه) منابع برای اندازه‌گیری قدرت منابع به کار می‌رود. در دسترس بودن، وجود منابع و دستیابی دولت و جوامع به آن و کارایی، توانایی منابع برای عمل در یک سطح معینی از ظرفیت و کیفیت تعریف می‌شود. ظرفیت بالا و عملکرد باکیفیت منابع به مقاومت کمک می‌کند و قدرت جامعه را در مقابل شوکها بهبود می‌بخشد. یک جامعه با تنوع منابع، با گزینه‌های مختلفی در راستای تکمیل عملکردها مواجه خواهد بود. همچنین، مزاد (اضافه) منابع، مقدار منابع موجود برای انجام یک فعالیت خاص را اندازه‌گیری و به مقاومت یک جامعه کمک می‌کند. جامعه یا کشوری که منابع یا کشوری که منابع مختلفی در اختیار دارد، می‌تواند در برابر شوک‌هایی که ظرفیت منابع را کاهش می‌دهند، بر گزینه‌های مختلفی تکیه کند.

تسهیل‌کننده‌های تطبیقی عناصر نامحسوس سرمایه اجتماعی و الگوهایی هستند که محیط مناسبی برای نهادها و منابع فراهم می‌کنند تا اثرات شوکها را کاهش داده و پس از وقوع شوکها جهش بهتری داشته باشند. اهمیت و قدرت هر یک از این تسهیل‌کننده‌ها با توجه به شرایط مختلف متفاوت است، اما هر یک در ایجاد محیطی که قابلیت تطبیق، همکاری، نوآوری و پاسخگویی داشته باشد، مهم هستند. این تسهیل‌کننده‌ها در چهار بخش «شبکه‌ها»، «نگرش‌ها/رفتارها/ارزش‌ها/هنجارها»، «نوآوری» و «حافظه نهادی» قابل بررسی و شناسایی هستند (اخباری و قلی زاده، ۱۳۹۴).

ع. الزامات؛ که بعضاً از آن‌ها با عنوان ویژگی‌ها نیز یاد شده است، آن دسته از اقداماتی هستند که به‌منظور تحقق سایر ارکان می‌بایست حاصل شوند؛ به‌عبارت‌دیگر الزامات، پیش‌نیاز تحقق اقتصاد مقاومتی هستند و درعین‌حال از زمره‌ی پیامدهای آن نیز محسوب می‌شوند. اهم این الزامات عبارت‌اند از:

الف- رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه و عدالت اجتماعی

ب- توسعه ظرفیت‌های علمی، انسانی، طبیعی، مالی، جغرافیایی و اقلیمی و سایر ظرفیت‌ها.

پ- همت جهادی، مدیریت جهادی.

ت- حضور مردم در تمام عرصه‌های اقتصادی

ث- صرفه‌جویی، پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌گردهای زائد

ج- مبارزه با فساد

چ- توجه به اقتصاد دانش بنیان

۲-۴. پیشینه تلاش‌های صورت گرفته در خصوص الگوسازی اقتصاد مقاومتی

الگوسازی‌های متعددی در رابطه با اقتصاد مقاومتی انجام پذیرفته که هرکدام با تمرکز بر یکی از رویکردها و مفاهیم اقتصاد مقاومتی، به الگوی خود هویت بخشیده‌اند:

الف- اقتصاد موازی: الگوی اول از اقتصاد مقاومتی، الگوی اقتصاد موازی است، یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه انقلابی اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز می‌بایست برای تأمین اهداف انقلاب این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند، چراکه انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که در عمل از عهده نهادهای رسمی برنمی‌آید.

ب- اقتصاد ترمیمی: الگوی دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی که در پی مقاوم‌سازی، آسیب زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای اقتصادی است، ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور برحسب نیازهای مختلف. کشورهای توسعه‌یافته نیز در دوره‌هایی از تاریخ اقتصادی خود مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند؛ به‌عنوان مثال غرب پس از ۲ شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین نمود. به‌طوری‌که امروزه باقیمت‌های بالای ۱۰۰ دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود.

پ- اقتصاد دفاعی: الگوی سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه هجمه شناسی، آفندشناسی و پدافندشناسی ما در برابر آن هجمه است؛ بنابراین زمانی به اقتصاد مقاومتی دست‌یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آن‌ها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

ت- اقتصاد الگو: چهارمین الگو نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی تنها یک رویکرد کوتاه‌مدت سلیبی و اقدامی پدافندی نیست؛ برخلاف ۳ الگوی قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. در این رویکرد در پی اقتصاد ایده‌آل هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه نخست اقتصاد منطقه برساند، اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل تمدن بزرگ اسلامی باشد. براین اساس در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌بایست متضمن مقاومت و تحقق آن باشد (سایت تبیان)

سیف (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری مدظله‌العالی)» اشاره می‌کند که در موضوع اقتصاد مقاومتی تعبیر متنوع و متفاوتی در ادبیات اقتصادی رایج شده است. تعبیری که معنای اصطلاحی (و نه لغوی) آن به اقتصاد مقاومتی نزدیک می‌نماید «فتریت اقتصادی» است که به توان سیاست ساخته یک اقتصاد برای بهبود

انطباق با) آثار شوک‌های برون‌زای مخرب اشاره دارد. این اصطلاح با تعریفی که از آن شده است نزدیک‌ترین مفهوم به «اقتصاد مقاومتی» در ادبیات رایج کشور است (سیف، ۱۳۹۱).

تراب زاده جهرمی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و ابعاد مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی» به ارائه مدل مفهومی سخنان ایشان پیرامون ابعاد، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند. سید موسی خادمی (۱۳۸۷) در رساله دکتری خود با عنوان «بررسی و شناخت تهدیدات اقتصاد ملی و اراده الگوی ارزیابی آن‌ها» به عوامل بالقوه تهدید زا مانند تحریم و عوامل بالفعل تهدیدات اقتصادی شامل مشکلات و آسیب‌های اقتصاد ملی پرداخته است (کمالی، ۱۳۹۵).

مدل لافلی (لافلی و مارتین، ۲۰۱۳). لافلی راهبرد را مجموعه‌ای یکپارچه از انتخاب‌هایی می‌داند که جایگاه بنگاه را در صنعت به شکلی منحصر به فرد معین می‌سازد تا از آن طریق بنگاه به خلق مزیت پایدار بپردازد. وی تدوین راهبرد در یک بنگاه را فرایند ارائه‌ی پاسخ‌هایی هم‌افزا، به پرسش‌های به هم مرتبط زیر معرفی می‌نماید:

۱. آرمان یک بنگاه کدام است؟
 ۲. بنگاه در چه حوزه‌ای فعالیت خواهد کرد؟
 ۳. روش اتخاذشده توسط بنگاه برای موفقیت در حوزه انتخابی چه خواهد بود؟
 ۴. بنگاه برای موفقیت چه قابلیت‌هایی باید داشته باشد؟
 ۵. بنگاه برای مدیریت فرایندها، چه دستگاه‌های مدیریتی نیاز دارد؟
- پاسخ به هر مرحله از زنجیره‌ی سوالات، زمینه را برای انتخاب‌ها (پاسخ‌های) مرحله‌ی بعدی فراهم می‌نماید؛ اما همزمان، پاسخ (انتخاب) در یک مرحله می‌تواند پاسخ مرحله‌ی قبل را نیز تدقیق نموده با نتایج جدید همسو و همخوان گرداند. این فرایند در قالب مدل لافلی در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل شماره (۳) مدل لافلی

منبع: لافلی و مارتین، ۲۰۱۳

آرمان‌ها ترکیبی از چشم‌اندازها و اهداف سازمان هستند که به حرکت سازمان جهت داده و مبنایی برای تعیین سیاست‌های کلی ایجاد می‌نمایند. آرمان‌ها را در مدل لافلی می‌توان معادل ارکان جهت‌ساز در ادبیات مدیریت راهبردی یا حداقل تصویری از آن‌ها دانست.

حوزه‌ی فعالیت تعیین‌کننده‌ی قلمروی فعالیت‌های سازمان هست. این که سازمان در چه بخشی فعالیت می‌کند و ذینفعان آن کدامند و این که برای تحقق اهداف خود به چه بازاری و تأمین چه نوع کالایی چشم دوخته است.

روش دستیابی به موفقیت - که ارتباط تنگاتنگی با حوزه‌ی فعالیت دارد - به دنبال خلق ارزش برای سازمان از طریق ایجاد مزیت است. هر انتخاب موفق در این بخش نه تنها به حوزه‌ی فعالیت، بلکه به شرایط محیطی و قابلیت‌های درونی سازمان بستگی دارد و الزاماً برای بنگاه دیگری موفقیت‌ساز نیست. قابلیت‌های اصلی، طرحی از شایستگی‌هایی که از انتخاب‌های دو مرحله‌ی قبلی - یعنی حوزه فعالیت و روش موفقیت - پشتیبانی می‌کنند. مواردی از قبیل بهره‌وری، نوآوری و توانایی تأمین مالی فعالیت‌ها را می‌توان از زمره‌ی قابلیت‌های یک سازمان در نظر گرفت. شایان ذکر است هر قابلیت به‌تنهایی قدرتمند است اما برای خلق مزیت در درازمدت کافی نیست. در عوض ترکیب این قابلیت‌ها و هم‌افزایی آن‌ها است که مزیت را پایدار می‌سازد.

دستگاه‌های مدیریت در حقیقت سازوکارهایی هستند که سازمان برای تعیین اهداف، خلق راهبردها، توسعه و جاری‌سازی راهبردها و سنجش میزان موفقیت به کار می‌گیرد. این عنوان بسیار عام است و از عادات و فرهنگ سازمانی تا نظام‌ها، روش‌های اجرایی و دستورالعمل‌ها و حتی سامانه‌های اطلاعاتی را در برمی‌گیرد.

استفاده از زنجیره‌ی انتخاب‌ها در سطوح مختلف امکان‌پذیر است. این سطوح را می‌توان در درون سازمان و یا حتی خارج از آن در سطوح مختلف ملی مانند یک صنعت (به معنی تخصصی آن) یا یک بخش اقتصادی تعریف نمود. آنچه در این حالت اهمیت ویژه می‌یابد، برقراری ارتباط منطقی میان حلقه‌های مختلف زنجیر در سطوح مختلف است به‌گونه‌ای که مجموعه انتخاب‌ها هم‌افزایی و انسجام خود را حفظ نمایند.

۳. الگوی مفهومی پژوهش

طی مطالعه ادبیات، ارکان اقتصاد مقاومتی و معدود مطالعات صورت گرفته در خصوص الگوسازی مفاهیم اقتصاد مقاومتی را مرور نمودیم. از آنجا که تحقیق در حوزه‌ی ارکان، متمرکز و یکپارچه صورت نگرفته و از سوی دیگر، الگوسازی‌ها نیز هرکدام از زاویه‌ی مفهومی خاص مطرح شده‌اند، می‌توان ادعا نمود الگویی واحد، یکپارچه و هم‌افزا در همه‌ی ارکان که در آن بخش‌های مختلف تقویت‌کننده و پشتیبانی‌کننده یکدیگر باشند، حاصل نشده است. از طرف دیگر تلاش‌ها به شکل طبیعی، کلان و در سطح ملی صورت گرفته‌اند و کمتر الگوی منسجم بخشی، تحقق یافته است.

مدل لافلی (بازی بُرد) مدلی است کسب‌وکار گرا که به دلیل ماهیت رفت و برگشتی خود، زنجیره‌ی انتخاب‌ها در سطوح مختلف مدیریتی را باهم هماهنگ می‌نماید. پژوهشگران معتقدند به دلیل ویژگی‌های این مدل می‌توان ارکان اقتصاد مقاومتی را از سطح ملی به سطح بخش‌های صنعتی - از جمله دفاعی - آورد و آن‌ها را یکپارچه و هم‌افزا نمود.

بر این اساس پژوهشگران الگوی مفهومی شکل ۴ را مبنای پژوهش خود قرار دادند. این الگو ارکان اقتصاد مقاومتی را با گام‌های مدل لافلی متناظر نموده و در سطح بخش صنعت دفاعی باز تبیین و عملیاتی می‌نماید.



شکل شماره (۴) الگوی مفهومی پژوهش
منبع: یافته‌های محقق

۴. روش‌شناسی

پژوهش حاضر، به لحاظ ماهیت از نوع توصیفی – کاربردی و به لحاظ روش مبتنی بر داده‌های کیفی هست، روش‌شناسی پژوهش شامل بررسی مفاهیم نظری پیرامون اقتصاد مقاومتی و نظریه بازی بُرد (مدل لافلی) و تحلیل زنجیره انتخاب‌ها، تحلیل راهبردی توسط خبرگان، می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، خبرگان و صاحب-نظران حوزه‌های مدیریت راهبردی، اقتصاد و سیاست‌گذاری صنعت دفاعی بوده و روش جمع‌آوری اطلاعات، در بخش کتابخانه‌ای، مطالعه رساله‌ها و مقالات و ادبیات مرتبط با اقتصاد مقاومتی و مدل بازی بُرد و فرایند انتخاب‌های یکپارچه در این عرصه و در بخش میدانی، تشکیل میز اندیشه با خبرگان و اخذ نظرات متصدیان مجرب و صاحب‌نظران حوزه مورد مطالعه به‌عنوان گروه کانونی هست. ابزار تحلیل، تکنیک دلفی بوده که برای شناسایی، قضاوت و غربال نظرات خبرگان و تصمیم‌گیری و اجماع گروهی طی چندین مرحله صورت گرفته است.

۵. تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

الف- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی. انتخاب خبرگان در فرایند پژوهش، به‌صورت هدفمند صورت گرفته، ویژگی جامعه موضوع تحقیق عبارت بود از خبرگان بخش اقتصاد، علی‌الخصوص صاحب‌نظران اقتصاد مقاومتی، مدیریت راهبردی و صنعت دفاعی که در سطوح راهبردی و نظریه‌پردازی دارای سابقه-ای قابل ملاحظه بوده و در فرایند سیاست‌گذاری و راهبردی در حوزه‌های پیش‌گفته ایفای نقش نموده‌اند. در ادامه برخی اطلاعات مرتبط با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان در قالب جدول ۳ ارائه می‌گردد.

جدول شماره (۳) ویژگی جمعیت شناختی خبرگان میز اندیشه

| رشته‌ی تحصیلی | | سطح مدرک تحصیلی | | تخصص شغلی | | سابقه کار (سال) | |
|----------------------|-----|-----------------|-----|--------------------------------|----|-----------------|----------|
| مدیریت راهبردی | ۴۳٪ | دکتری | ۳۵٪ | مدیریت راهبردی (سطوح فرماندهی) | ۲۷ | ۱۹٪ | ۱۵ تا ۲۰ |
| اقتصاد | ۳۱٪ | کارشناسی ارشد | ۳۹٪ | مدیریت اجرایی (عملیاتی) | ۴٪ | ۳۲٪ | ۲۰ تا ۲۵ |
| مدیریت و سیاست‌گذاری | ۲۶٪ | کارشناسی | ۲۶٪ | مالی و امور اقتصادی | ۹٪ | ۴۹٪ | ۲۵ تا ۳۰ |

اعداد با دقت ۱٪ گرد شده‌اند

منبع: محاسبات تحقیق

ب- یافته‌های تحقیق. مدل لافلی ترکیبی است واحد از پاسخ به ۵ سؤال خود که در این پژوهش با عنوان سؤالات فرعی طرح شده‌اند. در ادامه، پاسخ این سؤالات طی جداول جداگانه ذکر شده و در بخش نتیجه‌گیری، مدل یکپارچه به‌عنوان پاسخ سؤال اصلی ارائه خواهد شد.

ب-۱ آرمان‌ها و اهداف هدایت‌کننده صنعت دفاعی مبتنی بر ارکان اقتصاد مقاومتی که به فعالیت‌های این بخش جهت می‌دهند، در جدول ۴ نشان داده شده‌اند.

جدول شماره (۴) آرمان‌ها و اهداف صنعت دفاعی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی

| آرمان‌ها و اهداف |
|--|
| بهره‌وری منابع، جلوگیری از اتلاف‌ها و فعالیت‌های موازی، تمرکز بر حوزه‌های اثربخش و ارزش-آفرین (خرد مالی) |
| کمک به تأمین مالی فعالیت‌های صنعتی از طریق حضور در بازارهای خارجی (توسعه صادرات) |
| کمک به توسعه اقتصادی کشور از طریق مشارکت در تأمین امنیت و ثبات و نیز سرریز فناوری و بهره‌مندی از بودجه دفاعی بهبودیافته در قالب بازار داخلی نیروهای مسلح (ارتباط دوسویه با اقتصاد) |

منبع: یافته‌های محقق

ب-۲ مناسب‌ترین حوزه فعالیت صنعت دفاعی مانند حوزه‌های فناوری، حوزه‌های تسلیحاتی، بازارهای مطلوب و مناسب در جدول ۵ آورده شده‌اند.

جدول شماره (۵) حوزه فعالیت صنعت دفاعی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی

| حوزه فعالیت |
|--|
| تمرکز بر فناوری‌های خاص مانند اپتیک، لیزر و پیشران‌های راکتی و بالستیک |
| تمرکز بر محصولات برتری آفرین متناظر با تهدیدات منطقه‌ای |
| توسعه فعالیت‌های بازاریابی و صادرات با اولویت جبهه‌ی مقاومت در منطقه |
| پروژه‌های ملی غیر دفاعی که در آن‌ها دارای مزیت رقابتی است |

منبع: یافته‌های محقق

ب-۳ فرایندهای ترجیحی تولید، بخش‌هایی از زنجیره ارزش که صنعت در آن دارای مزیت بوده یا می‌تواند به اهداف اقتصاد مقاومتی کمک نماید در جدول ۶ قیدشده‌اند.

جدول شماره (۶) روش کسب موفقیت در صنعت دفاعی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی

| | |
|--|-----------------------|
| تدوین ارکان جهت‌ساز و ایجاد نقاط استراتژیک مرجع به‌منظور همسویی، هم‌افزایی و جلوگیری از فعالیت‌های انحرافی | روش کسب موفقیت |
| بازنگری ساختارها به‌منظور ایجاد هسته‌های دانش‌بنیان و چاپک‌سازی | |
| توسعه شبکه همکاران دفاعی در حوزه‌های خارج از تمرکز | |
| استفاده از ظرفیت‌های مالی و تولیدی بخش خصوصی | |
| توسعه برون‌سپاری در دوره پشتیبانی عمر محصولات (از طراحی تا خدمات پس از فروش) | |
| استفاده از ظرفیت‌های درون‌سازمانی غیرقابل واگذاری برای مشارکت در پروژه‌های ملی غیر دفاعی | |
| ترویج نوآوری باز مبتنی بر نقشه‌ی راه توسعه محصولی منبعت از دکتترین دفاعی کشور | |
| استفاده از ظرفیت‌های علمی-تحقیقاتی ارزان‌قیمت مانند دانشگاه و مراکز توسعه فناوری و پردیس-های علم و فناوری | |
| ارتقاء سطح علمی کارکنان به‌عنوان سرمایه‌های انسانی مزیت‌ساز | |

منبع: یافته‌های محقق

ب-۴ توانمندی‌های ویژه‌ای که پشتیبان بخش‌های منتخب ارزش‌ساز باشد و بتواند در حوزه دفاعی مزیت محسوب گردد در جدول ۷ نشان داده‌شده‌اند.

جدول شماره (۷) قابلیت‌های موردنیاز صنعت دفاعی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی

| | |
|--|------------------|
| آشنایی با مبانی اقتصاد خرد و اقتصاد صنعتی در بخش دفاع (اقتصاد دفاع) | قابلیت‌ها |
| طرح‌ریزی راهبردی سازمان‌های صنعتی دولتی | |
| بازاریابی بین‌المللی | |
| تأمین کیفیت محصولات در سطح استانداردهای بین‌المللی | |
| تولید انبوه باهدف دستیابی به صرفه‌های مقیاس و یادگیری | |
| نیروی انسانی متخصص و توسعه‌یافته در حوزه‌های فنی مهندسی و مدیریتی | |
| مدیریت شبکه‌های آمادی از منظر بازرگانی، کیفیت، ایمنی و امنیت | |
| توسعه ساختارهای مسطح و تفویض اختیارات و برقراری جریان «یادگیری باز» رو به بالا | |

منبع: یافته‌های محقق

ب-۵ فرایندهای مدیریتی، دستگاه‌ها و نظاماتی که توسعه‌ی قابلیت‌ها را میسر نموده و هدایت اقدامات تا حصول نتیجه را دنبال می‌نماید در جدول ۸ ذکر شده‌اند.

جدول شماره (۸). دستگاه‌های مورد نیاز صنعت دفاعی

| | |
|--|------------------------------|
| توسعه زیرساخت اطلاعاتی و شبکه‌های اینترنت امن | دستگاه‌های مدیریت |
| دستگاه‌های مدیریت یکپارچه اطلاعات و مدیریت دانش | |
| استقرار سامانه‌های ارزیابی عملکرد اثربخش منابع انسانی | |
| استقرار سامانه‌های کارآمد ارزیابی عملکرد برنامه‌ها و کنترل راهبردی | |
| استقرار نظامات پشتیبانی دوره عمر محصولات | |
| استقرار نظامات تضمین مرغوبیت | |
| استقرار سامانه مدیریت ارتباط با مشتریان | |

منبع: یافته‌های محقق

۶. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد می‌توان با ایجاد تمرکز بر مفاهیم ارکان اقتصاد مقاومتی و برقراری رویکرد زنجیره یکپارچه انتخاب‌ها، ارکان مذکور را به سطوح بخشی تعمیم داد. در این راستا با استفاده از مدل لافلی، الگوی یکپارچه‌ی عملیاتی از انتخاب‌های صنعت دفاعی در قالب شکل شماره ۵ تدوین گردید. به‌زعم پژوهشگران، مدل حاصله در مقایسه با پژوهش‌های مرتبط قبلی، حائز ویژگی‌های زیر است:

الف- جامعیت: پوشش حداکثری رویکردهای اقتصاد مقاومتی و پرهیز از انتخاب زاویه‌ای محدود. توجه به کل ارکان اقتصاد مقاومتی به‌جای نگاه جزیره‌ای.

ب- یکپارچگی: استفاده از رویکرد زنجیره یکپارچه انتخاب‌ها و منطبق رفت و برگشتی مدل لافلی که باعث حمایت کردن یافته‌های هر گام از مدل، از گام‌های قبلی می‌گردد.

پ- سنخیت: استفاده از خبرگی و بصیرت صاحب‌نظران مجرب صنعت دفاعی در حوزه‌های مدیریت و اقتصاد، تلفیقی بومی از تجربه، دانش و الزامات اقتضایی اقتصاد کشور به بار آورد که متناسب با نیاز و ویژگی‌های صنعت دفاعی شکل گرفته بود.



شکل شماره (۵) ترجمان اقتصاد مقاومتی در صنعت دفاعی مبتنی بر مدل لافلی^۱

منبع: یافته‌های محقق

روایی در مدل لافلی، به دلیل منطقی رفت و برگشتی و در حد بضاعت مشارکت‌کنندگان، حاصل می‌گردد؛ اما پایایی مدل تابعی از طیف علمی و تجربی خبرگان خواهد بود لذا می‌توان با تکرار فرایند در گروه کانونی متفاوت، پایایی مدل را صحنه‌گذاری نمود و یا مشترکات را استخراج و کانون توجه قرارداد. فرایندی که خود موجب بازنگری ترکیب زنجیره انتخاب‌ها در صنعت دفاعی خواهد شد. همچنین در پژوهشی تکمیلی، می‌توان اقدام به تدوین راهبردهای بخشی (در حوزه‌های زنجیره ارزش صنعت دفاعی - چه فعالیت‌های اصلی و چه توانمند سازها) مبتنی بر مؤلفه‌های مدل فوق پرداخت.

^۱ قرارگیری یک‌خانه از مدل فوق ذیل خانه‌ای دیگر، به‌منزله‌ی ارتباط مستقیم بین آن دو نیست، بلکه مجموعه راهبردهای هر لایه در تعامل با یکدیگر و به شکلی هم‌افزا، مجموعه راهبردهای لایه بالاتر را تقویت و حمایت می‌نمایند.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- آذرلی، آرمان. (۱۳۹۶). «مقایسه تأثیرات تحریم بر بخش دفاعی با بخش اقتصادی و شناسایی راهبردهای موفقیت‌ساز بخش دفاع». دانشکده مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی.
- آذرلی، آرمان. جعفر زاده، داریوش. خسروی، عباس. آرمون، آرش. طالبی نیا، سعید. (۱۳۹۶). «استخراج الگوی صنعت دفاعی در شرایط تحریم و کاربرد آن در اقتصاد مقاومتی». دانشگاه عالی دفاع ملی. دانشکده مدیریت راهبردی. مطالعه‌ی گروهی (در حال انجام).
- اصغری، محمود. (۱۳۹۵). «اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی-اجتماعی». پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. سال ۲۲. شماره اول.
- افتخاری، قاسم. (۱۳۹۲). «روش پژوهش کیفی، پژوهشنامه علوم سیاسی». سال ۸. شماره ۴.
- ازغندی، علیرضا؛ ذاکری، قاسم. «تأثیر صنایع نظامی در اقتصاد و توسعه فناوری رژیم صهیونیستی». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی. سال اول. شماره سوم. ۱۳۸۹.
- سیف، اله مراد. (۱۳۹۱). «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری مدظله‌العالی)». فصلنامه آفاق امنیت. سال پنجم. شماره شانزدهم.
- شکوه، حسن. (۱۳۹۱). «اقتصاد و دفاع ملی: چارچوبی برای مطالعه». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال پانزدهم. شماره سوم. شماره مسلسل ۵۷.
- شفتت، ابوطالب. (۱۳۹۵). «الگویی برای موفقیت در نوآوری صنایع دفاعی با تأکید بر عوامل پیش‌برنده در پروژه‌های پس از انقلاب اسلامی». دانشگاه علامه طباطبایی. رساله دکتری.
- عباس لو، محمد. (۱۳۷۸). «مقدمه‌ای بر اقتصاد دفاعی». فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک. شماره اول.
- عبدالملکی، هادی؛ نجفی، ابراهیم. (۱۳۹۵). «اقتصاد مقاومتی از نظریه تا عمل». درآمدی بر راهبردهای اقتصاد مقاومتی با تأکید بر راهکارهای ده‌گانه شعار سال ۱۳۹۵. پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج. چاپ اول.
- فرتوک‌زاده، حمیدرضا؛ دره شیری، محمدرضا؛ وزیری، جواد. (۱۳۹۳). «نقش صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی». فصلنامه آفاق امنیت. سال هفتم. شماره بیست و پنجم.
- فرتوک‌زاده، حمیدرضا. وزیری، جواد. آذرآیین، محمدرضا. (۱۳۹۱). «هسته‌های کوچک-شبکه‌های بزرگ؛ درس‌هایی از صنایع دفاعی و الگوسازی برای صنعت نفت». نشریه بهبود مدیریت. سال ششم. شماره ۳. پیاپی ۱۷. صص ۶۰-۹۷.
- کرسول، جان. (۱۳۹۴). «پویش کیفی و طرح پژوهشی». ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران. انتشارات صفار. چاپ دوم.

- کریمی، وحید. (۱۳۹۱). «تبیین الگوی بازدارندگی همه‌جانبه دفاعی جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدید ناهم‌تراز». تهران. دانشگاه عالی دفاع ملی. دانشکده دفاع.
- کمالی، روزبه. سیف، اله مراد. احمدیان، محمد. (۱۳۹۵). «تصویرسازی الگوی اقتصاد مقاومتی در صنعت برق ایران». فصلنامه مجلس و راهبرد. سال ۲۳. شماره ۸۸.
- لافلی، ای جی و مارتین، راجر. (۱۳۹۳). «بازی بُرد، راه‌کارهای دستیابی به استراتژی بُرد». ترجمه سید جلال حسینی. آریانا قلم.
- معینی، محبوبه. (۱۳۹۴). «مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد مقاومتی در راستای توسعه اقتصادی». مجموعه آثار و مقالات برگزیده دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت.

منابع لاتین

- Hooke, Richard. "The defense Industry in the 21st Century". Price water house Coopers Global Aerospace and Defence. 2005.
- Trading Economic, "US GDP growth rate", 2016.

